

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

اینکه از زمان پیغمبر ﷺ صحابه‌ی پیغمبر و بزرگان آن زمان و از مردم آن زمان بیشتر صحبت می‌کنیم دلیل دارد. بشر همیشه بشر بوده؛ خصلت‌هایی جزء خمیره‌ی بشر است که فرق نمی‌کند، چه امروز باشد چه دیروز، چه پیروز، چه فردا، همیشه هست. خداوند همه‌ی خصلت‌ها، خوب و بد را در ما آفریده ولی یک چیزی در ما آفریده که در حیوانات دیگر نیست و در انسان‌های قدیم، خمیره‌اش هست که باید تربیت بشود و آن درک و فهم الهی است یعنی در واقع عقل الهی که باید همه‌ی اینها تابع آن باشند. من که شخصاً ندیدم ولی در فیلم‌ها می‌بینیم، شما هم لابد دیده‌اید که کسی چند تا اسب دارد؛ اسب تنبل، اسب کاری، اسب سرکش و اینها را مثلاً، هفت، هشت تا را به کالسکه‌ای می‌بندد. این هفت، هشت تا، هر کدام باید تابع آن راننده‌ای باشند که افسار اینها دستش است. اسبی که تنبل است، یک خرده خسته می‌شود، اسبی که شرور است جلوی شرارتش گرفته می‌شود، آن یکی... حالا خداوند همه‌ی اینها را در بشر خلق کرده، در بشر یک راننده می‌گذارد، اسب سرکش هم می‌گذارد، اسب تنبل هم می‌گذارد منتها این اسب‌ها به صورت افکار و کشش‌های ماست. مثلاً صبح که بلند می‌شوید، یکی بلند می‌شود خواب‌آلود و تنبل است و به زحمت بلند می‌شود، وضو می‌گیرد و... ولی به هر جهت وضویش را می‌گیرد، باید عادت کند که بهتر باشد. یکی تا از رختخواب بلند شد دست و صورت شسته و به فاصله‌ی پنج دقیقه آماده‌ی عبادت و آماده‌ی همه چیز هست. مثل آن اسب تندرو، اسب تربیت شده. همه‌ی اینها در ما هست. باید از هیچ‌کدام از اینها نترسیم، همه چیز را خداوند در ما آفریده، قابلیت تربیت در آنها را هم آفریده، خود ما را هم موظف کرده که این کار را بکنیم. اینکه فرض بفرمایید فرموده‌اند: نماز باید به این شکل باشد، قرائت و رکوع، سجودش چنین باشد بعضی‌ها می‌گویند: ما به یاد خدا نشستیم، اگر آن نماز پنج دقیقه طول می‌کشد ما ده دقیقه به یاد خدا هستیم، ذکر می‌گوییم، نه! این درست نیست آن دستورات مثل افساری است که به گردن هواهای مختلف زده می‌شود که باید آن را چنانکه گفته‌اند انجام داد، ما باید آن افسار را به گردن هر یک از حواش خودمان بیندازیم.

مطلب دیگری که هست این است که فرض کنید نامه‌ای می‌نویسند که ما دیروز در

روزنامه خواندیم که مثلاً گفته‌اند که انرژی هسته‌ای اینطوری است، فلان چیز چطوری است؟ من هم جواب نمی‌دهم. من اگر بخواهم جواب بدهم، به همه‌ی این مسائل علوم که از من می‌پرسند، باید جواب بدهم، بلد نیستم، جواب نمی‌دهم. بعد در نامه‌ی بعدی می‌نویسند که این دوّمین نامه است که به شما می‌نویسم و جواب ندادید. صدمین نامه هم که بنویسید، جواب نمی‌دهم. بیخود، دستتان را خسته نکنید، قلم و کاغذ را هم هدر ندهید. جواب این مسائل را می‌خواهید، از صاحبش بپرسید. جامعه‌ی بشری هم که ایجاد شده، وظایفی به خود جامعه سپرده شده است. قوانینی که هست، اینطوری است.

اوضاع اجتماعی یک‌طوری است که ما باید از موهبت‌های اجتماعی استفاده کنیم. سازمان اجتماعی، فرض کنید بیمارستان درست کرده، پس ما باید وقتی مریض شدیم برویم بیمارستان. البته وظیفه‌ی آن مؤسسه هم شاید این باشد که درش باز باشد تا هر کسی بیمار بود، بیاید آنجا ولی متأسفانه آنها هم درشان بسته است تا پول نباشد کار نمی‌شود. این مشکلات، اجتماعی است و برای همه‌ی اجتماعات بشری هست و باید تا حدّی که می‌توانیم، خودمان به جای اجتماع اینها را حل کنیم. یک قبیل مشکلات هم خانوادگی است، مربوط به عواطف است. مثلاً یکی از خانم‌ها شکایت کرده بود که شوهرم رفته زن دیگری گرفته. من صدایش زدم گفتم: اولاً این جرم نیست، کار بدی است ولی جرم نیست، ثانیاً تقصیر توست، وقتی این شوهر، زن دیگری گرفته، در تو نقصی، ایرادی بوده است، سعی کن خودت را اصلاح کنی. همه‌ی این فکرها باید برای ما باشد و با تفکر بیندیشیم، خیلی از مشکلات را با تفکر حل کنیم. آن مثل مشهور می‌گوید:

چو در طاس لغزنده افتاد مور

رهاننده را چاره باید، نه زور

شما طاس لغزنده ندیدید، ما که به قولی دهاتی و بچه دهاتی بودیم و در گرد و خاک راه می‌رفتیم، دیده‌ایم که چاه‌هایی وجود دارند، چاه‌های حیوانات، وقتی موری افتاد در آن، آن یک مورچه است ولی آن هم همینطور می‌شود. زورشان به اندازه‌ی هم است، او را هم می‌گیرد. جاهایی که نمی‌تواند بالا برود، هر چه تلاش می‌کند، بیشتر خاک می‌ریزد. در اینجا نقص این حیوان که نمی‌تواند فرار کند و گیر می‌افتد، این نیست که زور ندارد. برای اینکه شما خودتان هستید، نیروهای دیگری هم هست. رهاننده، آن کسی که در فکر اینها هست، باید چاره بکند. زور فایده ندارد. در اینجا به خصوص در مسائل خانوادگی، بین زن‌ها و مردها زور فایده ندارد. در مسائل خانوادگی فقط محبت و یکرنگی نتیجه می‌دهد. فرزند هم که به دنیا آمد، یک ارتباط و حلقه‌ی اتّصالی است، نباید این حلقه‌ی اتّصال طوری باشد که مادر، دیگر پدر از یادش برود یا پدر، دیگر مادر از یادش برود، نه! همه با هم باید

باشند. رحمت الهی همانطوری که واسعه است، به همه می‌رسد، در اینجا محبت زن و شوهر باید به همه‌ی فرزندان برسد. این است که ان‌شاءالله این مسائل را رعایت بکنید، یک خرده فکر هم بکنید. البته نمی‌شود گفت این کار اشکالی ندارد، نه! خیلی هم کار بدی است که مرد برود زن دیگری بگیرد ولی دیگری نگیرد بگوید او کافر است. مثل خیلی‌ها وقتی با کسی بد هستند، همه‌ی معایب دنیا را به او می‌چسبانند، نه! این کار مرد خیلی بد است، منتها ضررش فقط به شما رسیده. دیگری مثلاً بقال سر کوجه چه ضرری از این کار دیده؟ چه یک زن داشته باشد چه دوزن و چه سه زن. این بدی‌ای است که ضررش فقط به شما رسیده. توجه بکنید که در اینطور موارد به اندازه‌ی کافی و به اندازه‌ی معتدانه قضاوت کنید. به هر جهت امیدواریم با فکر و با اندیشه و بعد هم با توجه به ذکر و معنای ذکرتان همه‌ی این مشکلات حل بشود و از این قبیل مشکلات پیش‌آمد نکند. ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح‌شنبه، ۱۳۹۳/۹/۲۹، جلسه خواهران ایمانی)

اختلاف تاریخ یک واقعه، یک حادثه، امری طبیعی است و اصلاً ربطی به مذهب هم ندارد. البته چه بسا بعضی دشمنان وارد مذهبش کرده‌اند که موجب اختلاف بیشتر باشد. مثلاً در مورد فلان شاعر اختلاف در سال تولد یا مرگ است، آن هم نه یک سال یا دو سال بلکه هفت، هشت سال. یکی مثلاً می‌گوید در پانصد و بیست و دو، دیگری می‌گوید در پانصد و چهل، یکی دیگر می‌گوید پانصد و هشتاد، این یک چیز معمولی است. حالا الحمدلله در مورد بزرگان مذهبی به این درجه اختلاف نیست و آن لطمه‌ای که احياناً دشمنان می‌خواستند از راه این اختلاف بزنند، برایشان حاصل نشده و الاً مثلاً در تاریخچه‌ی زندگی پیغمبر ﷺ در اصول کافی تاریخی را ذکر کرده. کافی هم کتابی است که درباره‌اش فرموده‌اند: كَافِي كَافٍ لِأُمَّتِنَا؛ کتاب کافی برای امت ما کافی است. در آنجا می‌گوید: تولد و رحلت پیغمبر در روز دوازده ربیع‌الاول بوده. من نمی‌دانم، حتماً اخبار دیگری هست که ما رحلت پیغمبر را در بیست و هشت صفر می‌گیریم. به هر جهت چه این تاریخ باشد و چه آن تاریخ، فرق نمی‌کند. به این معنی که پیغمبر از دست ما رفت، ان‌شاءالله ما را دعا کرد و رفت ولی ما می‌گوییم اشکال ندارد، تاریخش فرق نمی‌کند. ضررش این است که الان ما رحلت پیغمبر را عزاداری می‌کنیم، یاد می‌کنیم ولی سایر مسلمین من ندیدم که به این درجه یاد کنند. یاد مختصری می‌کنند. این برای این است که دو تاریخ است. اگر همه جای دنیا مثلاً امروز را یعنی بیست و هشت صفر را بگیرند، عظمتش بیشتر است. حالا عظمت نه، پیغمبر یا اسلام یا خداوند که به عظمت مردم کار ندارد ولی غیر از عظمت، تفرقه‌اش کمتر است. مثال دیگر درباره‌ی حضرت فاطمه علیها السلام که خیلی مورد توجه همه‌ی مسلمین

بوده و هست ولی رحلت حضرت فاطمه علیها السلام را در سه روز می‌گیرند، حضرت فاطمه که یک نفر بیشتر نبود، یک روز رحلت فرمود، دیگر چرا سه روز؟! حالا اگر یکی، یک روز فاطمیه را بگیرد و معتقد باشد که این فاطمیه صحیح است، آن یکی را نگیرد، فریاد تکفیرشان بلند است: اینها به فاطمه اعتقاد ندارند، چرا؟ هر روز که یادبود حضرت فاطمه را گرفتیم، هر کدامش درست باشد، اشکال ندارد، فقط این تفرقه بد است.

این تفرقه بین مسلمین و در قلمروی کوچکتری بین فقرا، خیلی خطرناک است. آنهایی را که یک ذره در این راه باشند، چه عمداً باشند چه غیر عمدی، من در دلم نمی‌بخشم‌شان. من کی هستم که ببخشم یا نبخشم؟ خود بزرگان نمی‌بخشند. خیلی مواظب باشید. به خصوص آقایان مشایخ که الحمدلله توجه کامل به این مسأله دارند. آقایان مجازین نماز هم خیلی دقت کنند. اولاً حق صحبت فقط آنهایی دارند که اجازه‌ی خاص به آنها داده می‌شود. این یک موهبت خاصی است که فعلاً روی آن بحث نمی‌کنیم. بپرهیزید از هر گونه تفرقه، حتی شاید در این شعر دیوان شمس، گر چه معنی‌اش ظاهراً عجیب و غریب می‌نماید:

دوش چه خورده‌ای بگوای بت همچو شکرّم

تا شب و روز بعد از این، روز و شبان از آن خورم

و معنای اصلی‌اش یک چیز دیگر است منتها ما حالا از موقعیت این بحث استفاده کردیم و این شعر را هم اینطوری معنی کرده‌ایم که حتی می‌خواهد در غذا هم تفرقه نباشد یعنی همانی را بخورم که او می‌خورد که این حداکثر توجه به محبوب است. به هر جهت زنه‌ار از جزئی‌ترین قدم کج و انحراف که پایبچ ما بشود. ان شاء الله نشود. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح دوشنبه، ۲۹ صفر ۱۴۳۶ ه. ق، مطابق با ۱۰/۱/۱۳۹۳ ه. ش، جلسه برادران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجدوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه پند صلح / شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فرمایشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس قهری، امر به معروف و نهی از منکر) / جزوات رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ با کزیده‌هایی از بیانات / مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها) / مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید.